

بیانیه کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت‌های اجتماعی»

۲۷ آذر ۱۳۸۸

با تعمیق و گسترش خشونت در اشکال مختلف در جامعه به ویژه پس از حوادث اخیر، موجی از نگرانی در میان دلسوزان این سرزمین ایجاد شد. این دغدغه‌ها و نگرانی‌ها در میان ما زنان صدچندان بوده است، زیرا زنان ایرانی طی قرون و اعصار متمادی از اصلی‌ترین قربانیان درگیری‌های سیاسی اجتماعی اقتصادی خشونت‌انگیز جامعه بوده‌اند و در حافظه جمعی خویش، انواع گونه‌های خشونت را ثبت کرده و با گوشت و پوست خود لمس می‌کنند که هر گونه خشونتی که در جامعه ایجاد شود، قربانیان اصلی آن، زنان هستند. هم از این روست که زنان امروزه تمام‌قد در برابر خشونت ایستاده‌اند و با تمام وجودشان سعی دارند که نگذارند خشونت پیشگان از هر سو که باشد، آن‌ها و سایر آحاد اجتماع را در دور باطل خشونت و بازتولید چرخه خشونت و نفرت، سرگردان و اسیر کند. خشونت نهادینه شده‌ای که در اقصی نقاط کشور و نیز در مقابل فعالان جنبش‌های اجتماعی همواره به صورتی خرنده وجود داشته و چه بسا امکان انعکاس مؤثر نمی‌یافت، این بار نمودی بارزتر و تجمع یافته‌تر از پیش بخود گرفت.

از آغاز خیزش دموکراسی خواهی اخیر مردم، زنان در گروه‌های پرتعداد در بطن جنبش سبز به خیابان‌ها آمده‌اند و مانند سایر کنشگران این جنبش و گاه حتی بیشتر با خشونت‌های گسترده حاکمیت مواجه شده‌اند، هم از این رو ضمن پیگیری مطالبات مدنی این جنبش، از همان آغاز از طریق گفتگو با جوانان و نیروهای نظامی و شبه نظامی از گسترش خشونت در ابعاد وسیع‌تر ممانعت به عمل آورده‌اند.

خشونتی که پیش از جریانات اخیر، زنان و فعالان مدنی ایران انواع گونه‌های آن را در زندگی اجتماعی و خصوصی خود تجربه کرده بودند، پس از انتخابات، به شکل خشونت سیاسی به منظور یکسان‌سازی بافت قدرت و برای کنترل اعتراضات مردمی، شدت و گسترش بیشتری پیدا کرده است. از جمله: تشدید خشونت علیه زنان با گسترش نگرش تحقیرآمیز به زنان و اعمال قوانین و سیاست‌های تبعیض‌آمیز همچون تفکیک‌های گسترده جنسیتی در عرصه عمومی جامعه.

افزایش رفتار خشونت‌بار و سرکوبگرانه با تجمعات قانونی و مسالمت‌آمیز مردم. به طوری که به رغم شیوه‌های مسالمت‌جویانه مردم، برخی از مسولان که باید نقش مدعی العموم و مدافع مردم را داشته باشند به تهدید و ارعاب مردم و طرح مجازات اعدام در برابر رفتار مدنی و مسالمت‌جویانه آنها اقدام کرده‌اند.

افزایش بی‌رویه احضار، تهدید، اخراج از کار و تعلیق و محرومیت از تحصیل و ممنوعیت خروج فعالان مدنی از کشور.

افزایش بازداشت‌های گسترده و برخوردهای غیرقانونی خشونت‌آمیز در بازداشتگاه‌ها و زندان‌ها.

افزایش صدور احکام سنگین مجازات، مانند زندان‌های طویل‌المدت، احکام اعدام و اجرای آن‌ها.

گسترش گفتمان خشونت‌گرا از طریق رسانه‌ها در سطح جامعه.

افزایش خشونت علیه نیروهای دگراندیش و حذف فعالان همه‌جنبش‌های اجتماعی و گروه‌های سیاسی و مدنی.

در چنین شرایط آکنده از خشونت، زنان با تکیه بر تجارب خود در هم‌اندیشی‌های زنان، کمپین‌های گوناگون (از جمله کمپین یک میلیون امضاء، کمپین ضدسنگسار و سایر ابتکارات و ائتلاف‌های گروهی) و در گروه‌های متکثر زنان، فعالان حقوق بشر و صلح (از جمله مادران صلح و...) تلاش کردند با استراتژی‌های گوناگون به مقابله با خشونت پدید آمده در جامعه بپردازند. آن‌ها نیک می‌دانند که اصلی‌ترین راه مقابله و مقاومت در قبال چنین خشونت‌هایی، ایجاد و گسترش گفتمان و عملکردهای پرهیز از خشونت است، گفتمان و رفتاری که نه تنها به دنبال حذف «رقیب»، و مخالف به عنوان «دشمن» نیست، بلکه اتفاقاً بقای خود را در زندگی مداراجویانه با تمامی اندیشه‌ها، روش‌ها و افکار مخالف و متضاد یکدیگر در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی می‌داند. زنان به عنوان اصلی‌ترین قربانیان خشونت به درستی دریافته‌اند که خشونت، چرخه‌ای است که می‌تواند مرتباً خود را در حوزه‌های مختلف بازتولید کند و از خشونت‌های سیاسی به خشونت‌های اجتماعی و سپس به خشونت‌های خانگی تبدیل شود. زنان به تجربه دانسته‌اند که پرننگ شدن و افزایش خشونت در یک عرصه، به بازتولید آن در عرصه‌های دیگر منجر می‌شود.

از این رو فعالان جنبش زنان تلاش می‌کنند از طریق روشنگری و آگاهی‌رسانی به جامعه هشدار دهند که مهار پدیده خشونت در عرصه‌های عمومی و خصوصی در شکل فردی و اجتماعی نیازمند آگاهی، شناخت و تجزیه و تحلیل فرآیند شکل‌گیری خشونت است. هنگامی می‌توان به مهار پدیده خشونت دل خوش بود که جامعه بتواند با شناخت این پدیده، از ارزش‌ها، نگرش‌ها و رفتارها و عملکردهای خشونت‌آمیز و حذفی چنان فاصله گیرد که بتواند گفتمان خشونت‌گرا را که زمینه‌ساز سایر خشونت‌ها و حذف‌هاست، در گستره فراگیر افکار عمومی از هر نوع مشروعیتی ساقط سازد. تا وقتی نظام ارزش‌های دو قطبی «حق / باطل»، «دوست و دشمن»، «مرگ / درود»، «خوب / بد» که بسترساز حذف و خشونت‌های فیزیکی است، در بطن جامعه بازتولید شود، بی‌شک قدرت‌مداران نیز می‌توانند رفتارهای خشونت‌آمیز خود را توجیه کنند. هم از این روست که تنها ابزاری که جامعه مدنی و جنبش‌های اجتماعی برای کنترل و مهار خشونت در مراحل گذار اجتماعی از مرحله‌ای به مرحله دیگر دارند، فاصله گرفتن و طرد و نفی هر نوع نظام ارزشی قطبی شده و سیاه و سفید، از طریق بسط «گفتگو» و آگاهی‌رسانی در عرصه عمومی است. بی‌شک زمانی که گفتگوی مسالمت‌آمیز به مثابه یک ارزش در تمامی سطوح جامعه عمومیت یابد می‌توان امیدوار بود که روند تغییر و تحولات با هزینه‌های هرچه کمتر به وقوع خواهد پیوست.

زنان کنشگر جامعه ما عمیقاً باور داشته و دارند: خشونت، خشونت می‌آفریند و دستیابی به حقوق برابر و دمکراسی درونزا، بدون دوری‌گزیدن از رفتارهای تمامیت‌طلبانه خشونت‌زای، عملاً امکان‌پذیر نیست. بدین ترتیب این بار نیز زنان با رویکرد نفی خشونت و درونی‌کردن رفتارهای دمکراتیک در سلوک آحاد جامعه به میدان آمدند.

همین رویکرد زنانه بود که در تجمعات خیابانی و بازداشت‌های گسترده اخیر، وقتی دولت بی‌محابا دست به خشونت زد و با هرگونه روش تساهل و مدارا و تفاهم با مردم ضدیت ورزید، زنان خود را نه تنها سپر برای جوانانی که مورد ضرب و شتم قرار می‌گرفتند کردند بلکه سپر برای جوانان سرکوب‌گری شدند که در معرض برخوردهای تلافی‌جویانه قرار می‌گرفتند، تا هم از حجم سرکوب و خشونت‌ها بکاهند و هم آنکه اجازه ندهند خشونت‌گران بیش از این، مردم صلح‌دوست ایران به ویژه جوانان را به آدم‌های وحشت‌زده‌ای تبدیل کنند که برای بقای خود راهی جز روی آوردن به قهر و خشونت متقابل نمی‌یابند.

در پرتو همین رویکرد زنانه بود که وقتی حاکمان به دستگیری های گسترده اقدام کردند، زنان به جای برخورد های «واکنشی و خشونت گرایانه»، در مقام کنشگرانی آگاه در برابر خشونت ورزی و قربانی سازی از زندانیان ایستادگی کردند و توانستند مفهوم عشق و همدلی را در حوزه خشن و مذکر سیاست و سیاست ورزی سنتی، وارد کنند. از یک سو با نوشتن نامه های عاشقانه به همسرانشان و گفتن آشکارای حدیث دل با آنان و از سوی دیگر با تلاش پیگیر برای اثبات مظلومیت عزیزان دربندشان به گفتگو و تعامل با مسنولین و منتقدین جامعه پرداختند و با برگزاری جشن های «تولد» به جای «مراسم عزاداری» توانستند تصویر و نقش مرسوم زن ایرانی را به عنوان «قربانی مظلوم قدرت» به نقش و تصویر «زن خودآگاه و کنشگر» نزدیک سازند.

همین رویکرد بود که مادران عزادار را به جای سوگواری در خلوت، به مقاومت و حضوری مسالمت آمیز و مستمر در فضای عمومی و به جای انتقام جویی فردی به دادخواهی و تشکیل محکمه های عادلانه و عاری از قصاص و در نهایت به جای گسترش فرهنگ انتقام، به نماد صلح و عدالت خواهی و پیام آوران اصل «پرهیز از خشونت» تبدیل ساخت.

همین رویکرد بود که زنان را به حمایت برابر از تمامی زندانیان خواه گمنام و خواه مشهور و از گروه ها و احزاب مختلف واداشت تا آنجا که توانستند اسطوره قهرمان سازی های مذکر و کلیشه ای را بشکنند و با آگاهی به محدودیت های جسمی و روانی انسان و با رنگ زمینی بخشیدن به رفتارهای زندانیان سیاسی، گفتمان «مقاومت اسطوره وار فردی» را به گفتمان «مقاومت انسانی و جمعی» در برابر خشونت، ارتقاء دهند.

همین رویکرد بود که زنان را قادر ساخت با شکستن تابوها و کلیشه های اخلاقی ناموس محور که دستاویزی برای آزار جنسی زنان در زندان هاست، حربه شکنجه ها و خشونت های جنسی را ناکارآمد سازند.

همین رویکرد بود که زنان هنرمند در عرصه های مختلف هنری و نیز رسانه ها را بر آن داشت تا تمام امکانات و تریبون های خود برای پژواک صدای مسالمت آمیز و مدنی مردم در مقابل صدای پر حجم خشونت طلبان به کار گیرند.

همین رویکرد بود که زنان قربانی خشونت در عرصه های اخراج از کار، ممنوع از تحصیل و ممنوع الخروج را پیشگام شکایت ها و پیگیری های حقوقی و قانونی و اعتراضات مدنی و مسالمت آمیز در برابر نقض حقوق شهروندی کرد.

همین رویکرد بود که سبب شد وکلای زن در برعهده گرفتن وکالت انبوه دستگیرشدگان وقایع اخیر، جلودار شوند و با طرح شکایت های حقوقی راهی مسالمت آمیز در بن بست های اجتماعی بیابند.

همین رویکرد بود که رشد تکرر گرای در جنبش زنان را موجب شد و در تداوم تجربه های گذشته زمینه تشکیل «همگرایی جنبش زنان برای طرح مطالبات زنان در انتخابات» با هر فکر و گرایش و نگرشی را پدید آورد، تکرر گرای خود آگاهانه ای که از چنین تجربه هایی در جنبش های گوناگون اجتماعی به جنبش سبز راه یافت. بی شک این تکررگرای می تواند بر بستر گفتگو و شنیدن صداهای مختلف و توجه به خواسته های جنبش های مختلف اجتماعی هرچه گسترده تر و در سطحی ملی فراگیر شود....

و بالاخره همین رویکرد و کنش های آگاهانه زنان بود که جنبش زنان و فعالان این جنبش را به «حاملان اصلی گفتمان خشونت پرهیز» در جنبش سبز و در گستره ملی تبدیل ساخت.

به این ترتیب اصل عدم خشونت به عنوان «رویکرد مشترک میان جنبش زنان و جنبش سبز»، به مثابه حلقه پیوند زنان با این جنبش فراگیر شد. و از همین روست که امروز ما بر آن شدیم تا با ایجاد کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت های اجتماعی» و با تاکید بر همین عملکرد خشونت پرهیز زنان در جنبش سبز، پیوند ایجاد شده را نهادینه سازیم.

به باور ما یکی از کارآمدترین ابزار در فرایند مقاومت مدنی و احقاق حق، گسترش «گفتگو» در عرصه عمومی است. در نتیجه ما نیاز داریم حرف بزنیم و حرفهای همدیگر را گوش کنیم، نیاز داریم همگی مان برای یافتن راه حل عبور از بحران ها و نابرابری ها، به طرز مسنولانه و در فضای مدارا جویانه و مسالمت آمیز گفتگو کنیم. تا از گفتگو پلی برای گسترش آگاهی و ارتباط افشار و تفکرات گوناگون بسازیم و حیات اجتماعی انسان را سرشار از صلح و امنیت بسازیم. گفتگو و سخن گفتن بدون پراکنش کینه و تنفر، تنها راه شفای جامعه ای است که خشونت از صدر تا ذیل آن را قربانی خود کرده است.

ما می خواهیم با اتکا به نیروی ثابت قدم و همت زنان ایرانی، فضایی سالم و انسانی جهت برپایی جلسات گفتگو و بحث فارغ از کین ورزی خلق کنیم، و امیدواریم این «توانمندی های زنانه» بتواند به گسترش گفتگو، تحمل و مدارا به عنوان اصلی ترین عوامل کاهش خشونت در تمام سطوح گوناگون جامعه یاری رساند.

ما بر این باوریم، زنان بر اساس ظرفیت هایی که در فرآیند شکل دهی رفتارهای دموکراتیک در هم اندیشی ها و همگرایی ها و کمپین ها و گروه های صلح و دفاع از حقوق بشر زنان و ... از خود نشان داده اند این توانایی را یافته اند که گفتگو را در کانون عرصه های گوناگون حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جامعه قرار دهند. آنها یقین دارند که می توان محتوی و کیفیت گفتگو را از موضوعات پراکنده به «اصلی هدفمند و راهگشا» در حوزه روابط شهروندان با حاکمیت و میان گروه های سیاسی و مدنی ارتقا دهند. زیرا نه تنها بن بست های اجتماعی سیاسی از طریق گفتگو و مذاکره گشوده می شوند بلکه از بستر گفتگو می توان راهکارهایی را کشف کرد که وفاق حداکثری را برانگیزد و ذینفعان گفتگو را به تبعیت از دستاوردهای آن، قانع سازد.

ما در کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت اجتماعی» باور داریم از طریق گفتگوی شفاف و در عرصه عمومی می توان از قطبی شدن جامعه جلوگیری کرد و شکاف بین گروه های مختلف اجتماعی- سیاسی را به نفع همگان کاهش داد و از این طریق بسترهای رویش خشونت های بالقوه را خشکاند. به باور ما هرچه فضای گفتگو در سطوح مختلف افزایش یابد، هزینه های فرآیند گذار به دموکراسی در جامعه کاهش می یابد.

از این روست که ما در کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت اجتماعی» جمع شده ایم تا در حد بضاعت خود با ایجاد همبستگی فراگیر تلاش کنیم گفتمان خشونت پرهیز را از طریق گفتگوی متقابل در عرصه عمومی، به مثابه اصلی ترین راهبرد خود، برای نیل به توسعه و دموکراسی گسترش دهیم.

آری، ما قصد آن داریم که با بهره گیری از دستاوردهای و عقاید و ایده های طیف ها، افشار و اقوام و طبقات گوناگون جامعه در مناطق کشور، فضایی معتدل و چند صدایی، و زمینه ای مشترک در فضای «سیاه و سفید» و قطبی شده کنونی در جامعه به وجود آوریم. باشد تا با قدرت و عاطفه زنانه و با امید به خشکاندن ریشه خشونت در بلندمدت، سختی های این دوران را به کار و تلاش نقادانه و کشف امکان های تازه ای حل و فصل منازعات و مقاومت مسالمت آمیز برای رسیدن به مطالبات مان، تحمل کنیم.

همه ما در یک سرزمین با جغرافیایی واحد زندگی می کنیم، از این رو باید فرا بگیریم که هر نوع «منازعه»، «رقابت»، «پیش برد منافع فردی و جمعی مان» و هر نوع «تغییری» را در فضایی اخلاقی، انسانی و غیرخشونت بار پیش ببریم در غیر این صورت جامعه ای بیمار خواهیم داشت که در آینده به سقوط کامل ارزش های انسانی، اخلاقی و مدنی، و زیر پا نهادن معیارهای انسانی، «برای رسیدن به اهداف اش» نیز تن خواهد داد.

کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت های اجتماعی»

گروه ها :

مدرسه فمینیستی

جمعی از گروه میدان

جمعی از مادران صلح

کانون زنان ایرانی

کمیته گزارشگران حقوق بشر

جمعی از مادران عزادار

انجمن علمی فراسو

گروه ادبی - فرهنگی زنان آنیل

اسامی اولیه (به ترتیب حروف الفبا) :

آزیتا شرف جهان

آینا یعقوبی

اشرف چیتگرزاده

اکرم خیرخواه

اکرم مینویی

پرستو فروهر

پروین بختیارنژاد

پریسا کاکایی

خدیجه مقدم

رخشان بنی اعتماد

رزا قراچورلو

زهره مینویی

زهره تنکابنی

ژیلا بنی یعقوب

سارا لقای

ساقی لقای

سپیده یوسف زاده

سعیده امین

سیمین بهبهانی

شهلا فرجاد

شهلا لاهیجی

شیرین عبادی

شیوا نظرآهاری

غزال شولی زاده

فاطمه گوارایی

فرخنده جبارزادگان

فرزانه طاهری

فیروزه صابر

گیتی خیرخواه

لیلا اسدی

لیلا صحت



محبوبه عباسقلی زاده

مریم امی

مریم بهشتی

مریم رحمانی

مریم قنبری

مریم مجد

مریم یاسمین شیرازی

مژگان جعفریان

مریم بهرمن

معصومه وطنی

منصوره شجاعی

مینا جعفری

مینا ربیعی

مینو مرتاضی

ناهید توسلی

نرگس محمدی

نسرین ستوده

نوشین احمدی خراسانی

ایمیل کمیته «همبستگی زنان علیه خشونت های اجتماعی»:»

iranianwomenagainstviolence@gmail.com

نقل از سایت مدرسه فمینیستی لینک <http://www.iranfemschool.com/spip.php?article3933>